



ماده شانزدهم اعلامیه حقوق بشر میگوید: «هر زن و مرد بالغی حق دارند، بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب، باهمدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر، در کلیه امور مربوط به ازدواج، دارای حقوق مساوی می باشند.»
اما اسلام... ؟

بلای خانمانسوز طلاق!

مشکل طلاق!

از آنجا که انحلال پیمان زناشویی ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با شخصیت حقوقی و اخلاقی زن و مرد، افراد خانواده و اجتماع، مخصوصاً روان کودک، دارد، از این جهت از دیرزمانی مورد توجه ادیان، روانشناسان، جامعه شناسان، علمای علم حقوق و اخلاق، قرار گرفته هر کدام از دریچه خاصی بدان نگریسته و درباره آن اظهار نظر و ابراز عقیده نموده اند!

ولی اجازه بدهید پیش از آنکه وارد اصل بحث مقایسه ای مربوط به «طلاق» بشویم و نظرات گروه های فوق را با اسلام، مورد بررسی و سنجش قرار دهیم، نکاتی را که زیربنای عقائد و آراء گوناگون مربوط به انحلال خانواده را تشکیل میدهد، ذیلاً برای شما نقل کنیم؛

تألفه اینهمه اختلاف آراء و در ضمن ارزش نظریه اسلام، بخوبی روشن گردد:

۱- گروهی از دانشمندان روانشناس و علم الاجتماع، عقیده دارند که: تجربه ثابت کرده: خانواده ای که دو عنصر اصلی آن یعنی: زن و مرد، از راه طلاق؛ پاره متارکه میکنند

و محیط گرم خانواده را تبدیل بیک کانون بی فروغ مینمایند ، کودکان چنین خانواده نوعاً مبتلابانواع انحرافهای روحی و فکری شده ، اغلب ؛ جانی ، دزد ؛ گانکستر ، مردم آزار ؛ متجاوز بارمیآیند .

بعلاوه خود عناصر اصلی خانواده از سقوط در پرتگاه مفاسد اخلاقی و فحشاء درمان نخواهند ماند .

بنابراین ، طبق عقیده اینگروه یا بایستی طلاق جز در موارد ضروری ، بکلی حرام و غیر مجاز باشد ، همچنانکه در اغلب کشورهای اروپائی و مسیحی نشین ، تا اواخر قرن نوزدهم طلاق بکلی ممنوع بوده مگر آنکه زنی عمل منافی عفت انجام میداده که در اینصورت طلاق اوجاز بوده است (۱)

و یا می بایست در انجام طلاق سختگیریهای فراوانی بعمل آید تا هر کس در هر شرایطی نتواند لطمه جبران ناپذیری بکانون خانواده وارد سازد مثل اینکه در مرحله اول اختیار طلاق از دست زن و مرد گرفته متمرکز در دست دادگاه گردد و در ثانی تا طرفین ازدواج دلائل روشنی بر عدم امکان زندگی مشترک نداشته باشند و مبلغ معتنابهی برای تکمیل دادخواست نپردازند ، قانون طلاق درباره آنها اجراء نخواهد شد ، همچنانکه از تاریخ هشتم ژوئن ۱۹۴۴ بیع در کشور شوروی واریست و هفتم ژوئیه ۱۸۸۴ بیع در فرانسه این نوع سختگیریها بعمل آمده است (۲)

۲- خود کامگی و سوء استفاده کردن برخی از مردان ؛ از حق طلاقیکه از نظر مذاهب (البته غیر از آئین فعلی و تحریف شده مسیحیت که طلاق را بکلی تحریم کرده است) و قوانین عالم ، بآنان واگذار شده ، عواطف و احساسات گروهی از بشر دوستان را جریحه دار ساخته مانند دیگر اقدامات انتقام جویانه یکباره علیه آن بمبارزه پرداخته ، خواستار تساوی زن و مرد در امر طلاق شده ، انحلال خانواده را موقوف بر رضایت طرفین و یاد درخواست یکی از آنها نموده اند ، همچنانکه ماده فوق اعلامیه حقوق بشر (ماده ۱۶) بدان تصریح دارد و اکنون بیشتر ممالک اروپائی و آمریکائی نیز بدان عمل مینمایند !

(۱) البته ممالک مسیحی نشین ، در این حکم از انجیل تحریف شده فعلی الهام می گرفتند که در آیه ۱۸ از باب ۱۶ انجیل لوقا آمده است : «هر که زن خود را طلاق دهد و دیگری را نکاح کند زانی بود و هر که زن مطلقه مردی را بنکاح خویش در آورد ؛ زنا کرده است ، و در آیه ۳۱ از باب پنجم انجیل متی اینطور آمده است ؛ ولیکن من بشما میگویم ؛ هر کس بفیرعلت زنا زن خود را از خود جدا کند باعث زنا کردن او میباشد ؛ و هر که زن مطلقه را نکاح کند ، زنا کرده است ، (۲) حقوق زن در اسلام و اروپا ص ۲۲۹ طلاق و تجدد ص ۹

وحتی در بسیاری از ممالک شرقی و از آن جمله کشور عزیز ما زمزمه تحقق بخشیدن بمفاد ماده فوق ، دانسته و پانداخته برخواسته و بعضی در لباس دوستی و حمایت از طائفه زنان از آن جانبداری مینمایند .

ولی ناگفته نماند که این آزادی بی قید و شرط ، ضربه خود را بر پیکر خانواده وارد ساخت ، و یکمربته آمار طلاق را بنحوسام آوری افزایش داد ، تا جائیکه در سال ۱۹۵۶ در مقابل هر چهار ازدواج در آمریکا يك طلاق واقع شده وحتی در برخی از ایالات آن ، برابر هر سه ازدواج ، دو طلاق جاری گردید !

و در ایالت کالیفرنیا ، برابر ۸۷۴۵۴ ازدواج ۴۲۴۷۱ یعنی تقریباً در مقابل دو ازدواج ، يك طلاق واقع شده است ! (۱)

نکته ای که بیش از همه قابل توجه و دقت است ، اینست که بیشتر آن طلاقها بنا بر درخواست زنان صورت گرفته است !

مثلاً طبق آماري که در سال ۱۸۹۰ یعنی شش سال بعد از اعطای حق طلاق ، بطور تساوی بمرد و زن ، در فرانسه منتشر گردیده در آن تصریح شده که میان ۹۷۸۵ فقره طلاقیکه در دادگاه های آنجا واقع شده تنها ۷۰۰۰ فقره آن بدرخواست زنان صورت گرفته است ! (۲) .

و یاطبق نوشته «لوسون» نویسنده معروف آمریکائی ! هشتادصد طلاقهای آمریکا بنا بتقاضای زنان ؛ تحقق یافته است ! (۳) .

❁ بهانه های بنی اسرائیلی! ❁

این آزادی بی قید و شرطی که بزمن و مرد اروپائی و غربی در موضوع انحلال خانواده داده شد ، کار را بجائی کشانید که برای کوچکترین اختلاف و بیانه ای از هم جدا شده ، محیط پر فروغ خانواده را تبدیل بظلمتکده بی فروغی میساختند

یکروز ، در روزنامه ها نوشتند که : « بانواسمیت » شصت و چهار ساله و آقای « جان فلستید » هفتاد و سه ساله تنها بعلت عدم توافق سگهایشان برای همیشه از هم جدا شدند ! (۴) . (بقیه زیر صفحه بعد)

(۱) طلاق و تجدید ص ۳۷ - زن و انتحابات ص ۱۳۷

(۲) حقوق زن در اسلام و اروپا ص ۲۵۰ .

(۳) - فوق زن در اسلام ص ۴۴

(۴) اطلاعات ۲۵ ر ۳۰ ر ۲۳۰ .

خانہ زاد خدا

مردان نام آور تاریخ کہ جهانی راتحت الشماع شخصیت بزرگ و مقام با عظمت خود قرار داده اند گاهی آنچنان بزرگ و بے عظمت هستند کہ ہرچہ زمان از آنها فاصلہ می گیرد ، قلم شامخ وجود آنان بزرگتر و بامہا ہتی عظیم تر جلوه میکند .

علی (ع) را مرد بزرگ اسلام کہ در نظر ما مسلمانان ؛ دومین شخصیت بی مانند جهان انسانی است ، آنچنان مقامی عالی و گرانقدر دارد ، کہ بجای اینکه تاریخ اورا بچہا نیان معرفی کند ، خود سازندہ تاریخ و پدید آورندہ جهانی دیگر است ...
خانہ خدادار شہر «مکہ» پاکترین و مقدس ترین مکان روی زمین است و بدست توانای

(بقیہ از صفحہ قبل) روز دیگر نوشتند: خانمی ازداد گاہ تنها باینبجہت درخواست طلاق کرد کہ چون شوہر ش موقعی کہ میخواست آب بنوشد استخوان زیر گلویش حرکت میکند و این پیش زنیهای دیگر مایہ سرافکنندگی او است ! (۱)
زمانی دیگر در مطبوعات منعکس شد کہ زنی در آمریکا فقط باین دلیل از محکمہ تقاضای طلاق کرد کہ شوہر او بجای اینکه شبہا اورا بسینما و گردش ببرد ، مشغول تکمیل تحصیلات خود است و با اکابر میرود ! (۲)

زنی دیگر در مقام استدلال برآمد و علت تقاضای طلاق خود را از شوہر این طور شرح داد کہ : چون شوہر من در خواب «خروپف» میکند ، نمیتوانم با او زندگی کنم ! (۳) و او گرچہ ہمانطوریکہ گفتہ شد ، در ابتدای امر ، اعطای حق طلاق بطور تساوی بزنی و مرد برای جلوگیری از خود کامگی و سوءاستفادہ مردان بود ولی دہری نپائید کہ خود وسیلہ سوء استفادہ و خود کامگی زنان ، و یکی از مشکلات و بلاہای بزرگ اجتماعی گردید و لذا در گوشہ و کنار سر و صدای اعتراض افراد دلسوز و خیر خواہ علیہ وضع موجود ، بلند شد ، نویسندگانی مانند «لوسون» بعنوان اعلام خطر نوشتند : «ہر کسی کہ اندک مایہ ای از بشر دوستی در او باشد از این وضع موحش آمار طلاق در رنج بودہ و در فکر علاج است ، چیزیکہ بیشتر قابل نظر و دقت است آنکہ ہشتاد درصد این طلاقہا بہ تقاضای زنان واقع شدہ و میشود و راز افزایش طلاق را نیز باید از ہمینجا جستجو کرد و بالاخرہ حتماً آنرا محدود کرد (۴) .